



The Iranian Association of
Medical Law



The Bioethics and Health
Law Institute

The Approach of the United Nations in the Protection of Children against Non-State Armed Groups in Compliance with Humanitarian Rights

Marveh Kashiri¹, Mohammad Reza Hakkakzadeh^{1*}, Mohammad Ali Kafaefar¹

1. Department of International Law, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: The issues related to children's vulnerability to armed conflicts are very extensive. The purpose of this article is to examine the approach of the United Nations in protecting children against non-governmental armed groups in compliance with humanitarian laws.

Method: The mentioned article is descriptive and analytical and the library method is used.

Ethical Considerations: In all stages of writing the present research, the originality of the texts, honesty and trustworthiness have been observed.

Results: The framework established by the United Nations to address the situation of children affected by armed conflicts relies on a monitoring and reporting mechanism implemented by personnel on the ground and overseen by the Office of the Special Representative of the United Nations Secretary-General for Children. This information issue can be understood as one that may be used by several actors and aims to ensure compliance with basic humanitarian rules and reduce severe casualties among children. Governments and armed non-state groups are encouraged to engage with UN personnel on the ground to adopt action plans that will lead them to compliance.

Conclusion: The degree of success of the monitoring and reporting mechanism is based on the fact that non-state armed groups may be willing to comply with international law on the protection of children affected by armed conflict and that engaging in dialogue for development and Implementation of action plans can stimulate this desire.

Keywords: United Nations; Child Rights; Armed Conflicts; Non-State Armed Groups

Corresponding Author: Mohammad Reza Hakkakzadeh; **Email:** Mrhakak@yahoo.com

Received: April 07, 2024; **Accepted:** September 03, 2024; **Published Online:** June 02, 2025

Please cite this article as:

Kashiri M, Hakkakzadeh MR, Kafaefar MA. The Approach of the United Nations in the Protection of Children against Non-State Armed Groups in Compliance with Humanitarian Rights. Medical Law Journal. 2022; 16(Special Issue on Legal Developments): e61.



مجله حقوق پزشکی

دوره شانزدهم، ویژه نامه تحولات حقوقی، ۱۴۰۱

Journal Homepage: <http://ijmedicallaw.ir>



رویکرد سازمان ملل متحد در حمایت از کودکان در مقابل گروه‌های مسلح غیر دولتی در انطباق با حقوق بشر دوستانه

مروه کشیری^۱ (id)، محمدرضا حاکم‌زاده^{۱*} (id)، محمدعلی کفایی‌فر^۱

۱. گروه حقوق بین‌الملل، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: موضوعات مرتبط با آسیب‌پذیری کودکان در برابر مخاصمات مسلحانه دارای گستردگی زیادی است. هدف مقاله حاضر بررسی رویکرد سازمان ملل متحد در حمایت از کودکان در مقابل گروه‌های مسلح غیر دولتی در انطباق با قوانین بشردوستانه است.

روش: مقاله مورد اشاره توصیفی - تحلیلی بوده و از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

یافته‌ها: چهارچوب ایجادشده توسط سازمان ملل متحد برای رسیدگی به وضعیت کودکان متأثر از درگیری‌های مسلحانه متکی بر یک مکانیسم نظارت و گزارش است که توسط پرسنل در محل اجرا شده و توسط دفتر نماینده ویژه دبیرکل سازمان ملل در امور کودکان نظارت می‌شود. از این مسأله اطلاعاتی را می‌توان فهمید که ممکن است توسط چندین عامل به کار گرفته شود و هدف آن اطمینان از رعایت قوانین اولیه بشردوستانه و کاهش تلفات شدید در کودکان است. دولت‌ها و گروه‌های مسلح غیر دولتی تشویق می‌شوند تا با پرسنل سازمان ملل در محل به گفتگو بپردازند تا برنامه‌های اقدامی را اتخاذ کنند که آن‌ها را به پایبندی سوق دهد.

نتیجه‌گیری: درجه موفقیت مکانیسم نظارت و گزارش‌دهی بر این واقعیت استوار است که گروه‌های مسلح غیر دولتی ممکن است مایل به پیروی از قوانین بین‌المللی در مورد حفاظت از کودکان آسیب‌دیده از درگیری‌های مسلحانه باشند و اینکه درگیرشدن در گفتگو برای توسعه و اجرای برنامه‌های اقدام می‌تواند این تمایل را تحریک کند.

واژگان کلیدی: سازمان ملل متحد؛ حقوق کودک؛ درگیری‌های مسلحانه؛ گروه‌های مسلح غیر دولتی

نویسنده مسئول: محمدرضا حاکم‌زاده؛ پست الکترونیک: Mrhakak@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۱۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۱۳؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۳/۱۲

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Kashiri M, Hakkakzadeh MR, Kafaeifar MA. The Approach of the United Nations in the Protection of Children against Non-State Armed Groups in Compliance with Humanitarian Rights. Medical Law Journal. 2022; 16(Special Issue on Legal Developments): e61.

مقدمه

در سرتاسر جهان، صدها میلیون کودک به طور مستقیم یا غیر مستقیم تحت تأثیر مخاصمات مسلحانه قرار دارند، از جمله بیش از ۳۰۰/۰۰۰ کودک سرباز جدی‌ترین تخلفات علیه آن‌ها نه تنها توسط دولت‌ها، بلکه توسط گروه‌های مسلح غیر دولتی درگیر در ده‌ها درگیری مسلحانه غیر بین‌المللی انجام می‌شود. پس از جنگ جهانی دوم و به ویژه در چند دهه اخیر این موضوع مورد بی‌توجهی حقوق بین‌الملل قرار نگرفته است. حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق بین‌الملل حقوق بشر مقرر کرده‌اند که احترام و حمایت ویژه‌ای برای کودکان متأثر از مخاصمات مسلحانه وجود دارد و آن‌ها نباید در نیروهای مسلح دولتی یا گروه مسلح غیر دولتی استخدام شوند و یا اجازه مشارکت نداشته باشند. در خصوصت‌ها علاوه بر این، اساسنامه رم دادگاه کیفری بین‌المللی تصریح می‌کند که سربازگیری یا استفاده از کودکان زیر پانزده سال برای شرکت در خصوصت‌ها، هم در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و هم در درگیری مسلحانه غیر بین‌المللی، جرم جنگی است. علاوه بر این، چندین سند قانون نرم به چالش‌های مربوط به حمایت از کودکان در جریان مخاصمات مسلحانه پرداخته‌اند. علیرغم این تحولات مهم، اطمینان از رعایت قوانین بین‌المللی همچنان یک چالش اساسی است. بر اساس آنچه گفته شد، سؤال مقاله بدین‌شکل قابل طرح است که رویکرد مدیریتی سازمان ملل متحد در حمایت از کودکان در مقابل گروه‌های مسلح غیر دولتی در انطباق با قوانین بشردوستانه چگونه قابل تحلیل است؟ هدف مقاله حاضر بررسی سؤال مورد اشاره است.

روش

مقاله مورد اشاره توصیفی - تحلیلی بوده و از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است.

یافته‌ها

چهارچوب ایجادشده توسط سازمان ملل متحد برای رسیدگی به وضعیت کودکان متأثر از درگیری‌های مسلحانه متکی بر

یک مکانیسم نظارت و گزارش است که توسط پرسنل در محل اجرا شده و توسط دفتر نماینده ویژه دبیرکل سازمان ملل در امور کودکان نظارت می‌شود. از این مسأله اطلاعاتی را می‌توان فهمید که ممکن است توسط چندین عامل به کار گرفته شود و هدف آن اطمینان از رعایت قوانین اولیه بشردوستانه و کاهش تلفات شدید در کودکان است. دولت‌ها و گروه‌های مسلح غیر دولتی تشویق می‌شوند تا با پرسنل سازمان ملل در محل به گفتگو بپردازند تا برنامه‌های اقدامی را اتخاذ کنند که آن‌ها را به پایبندی سوق دهد.

بحث

از زمان معرفی «تعهدات بنیادین در قبال کودکان طی اقدامات بشردوستانه در سال ۱۹۹۸ و بازبینی آن در سال ۲۰۱۰»، زمینه جهانی بشردوستانه به صورت چشم‌گیری تغییر کرده است (۱). بحران‌های بشردوستانه بیش از پیش گسترده شده‌اند (۲). کودکان، آسیب‌پذیرترین بخش جوامع در زمان صلح و در زمان جنگ هستند. در زمان جنگ، کودکان در معرض تخریب، آسیب‌های جسمی و روانی، جدایی از خانه و والدین و با خطر مرگ هستند. از سوی دیگر، با توجه به اینکه اکثر جنگ‌های معاصر، جنگ‌های داخلی هستند، آسیب‌پذیری کودکان در کنار دیگر غیر نظامیان، به مراتب افزایش یافته است. آسیب‌پذیری کودکان، مستلزم توجه ویژه به وضعیت آن‌ها به ویژه در زمان جنگ است. در این مقاله به بررسی رویکرد سازمان ملل متحد در حمایت از کودکان در مقابل گروه‌های مسلح غیر دولتی در انطباق با حقوق بشردوستانه پرداخته می‌شود.

۱. آسیب‌های کودکان در مخاصمات مسلحانه: کودکان از آسیب‌پذیری بالایی در برابر آثار ویرانگر مخاصمات و درگیری‌های مسلحانه برخوردارند؛ این آسیب‌پذیری را می‌توان در پیامدها، پدیده‌های انسانی و جنگ‌افزارهای مرتبط با مخاصمات مسلحانه جستجو کرد، از جمله موضوعات مرتبط با آسیب‌پذیری ویژه کودکان در برابر مخاصمات مسلحانه می‌توان از این موارد نام برد: ۱- کودکان سرباز؛ ۲- پناهندگان جنگی و

آوارگان داخلی و حساسیت ویژه کودکان پناهنده و آواره؛ ۳- سوءاستفاده و بهره‌کشی جنسی از کودکان در مخاصمات و خرید و فروش کودکان جنگزده برای مقاصد جنسی؛ ۴- آسیب پذیری بالای کودکان در برابر مین‌های زمینی، بمب‌های خوشه‌ای، تله‌های انفجاری و انواع مهمات عمل نکرده؛ ۵- تأثیر گسترده سلاح‌های کوچک و سلاح‌های سبک بر سربازگیری از کودکان؛ ۶- بیگاری، کار اجباری و استفاده از کودکان برای کارهایی چون جاسوسی، خبررسانی، حمل و نقل و... در نیروهای مسلح و خصوصاً گروه‌های شورشی؛ ۷- مشارکت کودکان به عنوان قربانیان و شاهدان فجایع جنگی در جریان دادرسی‌ها؛ ۸- نحوه و شرایط محاکمه و رسیدگی به جرایم کودکان مجرم جنگی. همانطور که ملاحظه می‌شود، موضوعات مرتبط با آسیب‌پذیری کودکان در برابر مخاصمات مسلحانه دارای گستردگی زیادی است (۳). چهارچوب کودکان آسیب‌دیده از درگیری‌های مسلحانه بر شش تخلف جدی که در زمان مخاصمات مسلحانه علیه کودکان انجام می‌شود، تمرکز دارد: قتل یا معلول کردن. به کارگیری یا استفاده از کودک سرباز، حملات علیه مدارس یا بیمارستان‌ها، تجاوز جنسی یا سایر اشکال خشونت جنسی شدید، آدم‌ربایی و محرومیت از دسترسی بشردوستانه. در بیشتر موارد، این چهارچوب به مکانیسم نظارت و گزارش‌دهی متکی است که هدف آن جمع‌آوری و ارائه «اطلاعات به موقع، عینی، دقیق و قابل اعتماد» در مورد تخلفات مذکور است. مکانیسم نظارت و گزارش‌دهی در سه سطح عمل می‌کند: ۱- جمع‌آوری اطلاعات در سطح کشور؛ ۲- بررسی و یکپارچه‌سازی اطلاعات؛ ۳- تهیه گزارش‌ها در سطح مقر سازمان ملل.

تأسیس مکانیسم نظارت و گزارش‌دهی مستلزم ایجاد ارگان‌ها یا آژانس‌های جدید نبود، زیرا در آن نهادها و نهادهای موجود، از جمله عوامل مختلف سازمان ملل، مانند صندوق بین‌المللی اضطراری کودکان سازمان ملل (یونیسف)، برنامه توسعه سازمان ملل متحد و وزارت سازمان ملل متحد مشارکت دارند: عملیات حفظ صلح، سازمان‌های منطقه‌ای، دولت‌ها، سازمان‌های غیر دولتی و سایر سازمان‌های جامعه مدنی. با

اطلاعات تولیدشده توسط مکانیسم نظارت و گزارش‌دهی، دبیر کل گزارش‌های سالانه را منتشر می‌کند که حاوی اطلاعات خاص کشور در مورد عملکرد طرف‌ها و دو ضمیمه است که فهرستی از طرف‌هایی را که مرتکب یک یا چند مورد از این تخلفات شده‌اند، منتشر می‌کند. این طرف‌ها، اعم از دولت‌ها و گروه‌های مسلح غیر دولتی، از سوی شورای امنیت سازمان ملل متحد فراخوانده شده‌اند تا با عوامل سازمان ملل در محل به گفتگو بپردازند تا برنامه‌های اقدامی را تدوین و اتخاذ کنند که به تبعیت از تعهدات بین‌المللی آن‌ها از طریق تعهدات خاص و مشخص منجر شود. مراحل محدود به زمان یقیناً، شورای امنیت ممکن است اقدامات دیگری را نیز در چهارچوب وظایف خود اتخاذ کند و گروه کاری کودکان آسیب‌دیده از درگیری‌های مسلحانه حتی یک «مجموعه ابزار» با انواع احتمالی اقدام مستقیم یا توصیه‌ها ایجاد کرده است (۴). در برخی موارد، این ممکن است مستلزم ایجاد تحریم‌ها علیه دولت‌ها، گروه‌های مسلح غیر دولتی و افراد باشد.

این بخش شروع به بازگشایی این چهارچوب به عنوان رویکردی عمدتاً مدیریتی برای عدم انطباق می‌کند. در اواسط دهه ۱۹۹۰، چایس و هندلر چایس (Chayes & Handler) پیشنهاد کردند (۵)، در حالی که توجه زیادی به تحریم‌ها به عنوان راهی برای دستیابی به انطباق با قوانین بین‌المللی می‌شود، اکثر موافقت‌نامه‌های نظارتی چندجانبه در واقع استراتژی‌های مدیریتی را اتخاذ می‌کنند که بر همکاری و حل مشکل متمرکز است و گفتگو را در اولویت قرار می‌دهد. در میان ایالات چایس و هندلر چایس مشاهده کردند که بسیاری از معاهدات بین‌المللی که به موضوعات پیچیده می‌پردازند، مانند معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای و موافقت‌نامه عمومی تعرفه‌ها و تجارت، به این نوع اقدام مشترک بین کشورها در طول زمان نیاز دارند. از نظر آن‌ها، از آنجایی که دولت‌ها طرف این معاهدات هستند، تمایل آن‌ها به اجرای تعهداتشان قابل فرض است. بنابراین عدم انطباق اغلب با عوامل دیگری توضیح داده می‌شود.

بنابراین درک چهارچوب کودکان آسیب‌دیده از درگیری‌های مسلحانه به عنوان یک استراتژی مدیریتی، در درجه اول نیازمند شناسایی رژیم حقوقی مربوطه، یعنی تعهدات مشخصی است که طرفین باید از آن‌ها پیروی کنند. این همچنین مستلزم پذیرش، برخلاف آنچه اغلب تصور می‌شود، است که گروه‌های مسلح غیر دولتی ممکن است در واقع مایل به رعایت آن رژیم باشند.

۲. اقدامات سازمان ملل متحد در حمایت از کودکان در مقابل گروه‌های مسلح غیر دولتی در انطباق با حقوق بشردوستانه: شناسایی رژیم حقوقی به دو دلیل مهم است: اول، به این دلیل که به ما امکان می‌دهد رفتار مربوطه را که به دنبال تنظیم آن است، ایجاد کنیم و آن را به عنوان وظایفی در نظر می‌گیریم که به روشی خاص عمل کنیم یا از ارتکاب اقدامات خاص خودداری کنیم؛ دوم، زیرا ترسیم چنین رفتارهایی به عنوان تعهدات قانونی معمولاً توضیح می‌دهد که چرا از طرفین رژیم انتظار می‌رود آن‌ها را انجام دهند.

در نگاه اول، کاملاً مشخص نیست که شورای امنیت سازمان ملل متحد قصد دارد تا مطابقت را با چه چیزی ترویج کند: قطعنامه‌های آن در مورد کودکان آسیب‌دیده از درگیری‌های مسلحانه به طور مداوم از هرگونه تصمیم قانونی در مورد صلاحیت مخاصماتی که در گزارش‌های دبیرکل به آن اشاره شده است، اجتناب می‌کنند. این امر مانع از استنباط می‌شود که آیا قوانین حقوق بین‌الملل بشردوستانه قابل اجرا همان قوانینی هستند که درگیری مسلحانه بین‌المللی یا درگیری مسلحانه غیر بین‌المللی را تنظیم می‌کنند یا اینکه آیا حقوق بین‌الملل بشردوستانه اصلاً قابل اجرا است. علاوه بر این، رویه شورای امنیت در ارجاع همزمان به حقوق بین‌الملل بشردوستانه و قوانین بین‌المللی حقوق بشر ممکن است به سردرگمی بین هر دو رژیم منجر شود (۶).

در واقع، مکانیسم نظارت و گزارش‌دهی عمده هیچ تمایزی بین حمایت‌های حقوق بین‌الملل بشردوستانه و قوانین بین‌المللی حقوق بشر قائل نمی‌شود. در گزارش‌های دبیرکل سازمان ملل به اسناد بین‌المللی اشاره شده است که معیارهایی را برای

ارزیابی رفتار طرفین ارائه می‌کنند، از جمله کنوانسیون حقوق کودک (کنوانسیون حقوق کودک)، پروتکل اختیاری آن در مورد دخالت کودکان در مخاصمات مسلحانه، پروتکل الحاقی ۲ به کنوانسیون‌های ژنو و اساسنامه ICC. منابع دیگر، مانند قوانین ملی و موافقت‌نامه‌های صلح نیز مرتبط تلقی می‌شوند. علاوه بر این، دبیرکل هنگام توضیح معیارهای مورد استفاده برای فهرست‌شدن و حذف احزاب از فهرست، تأیید کرد که: «ارجاع شورای امنیت سازمان ملل متحد به اقدامات مغایر با قوانین بین‌المللی قابل اجرا نشان می‌دهد که اعمال مورد بحث صرفاً طبق قوانین ملی کشور محل ارتکاب جنایت جرایمی نیستند، بلکه اعمالی هستند که نقض قوانین بین‌المللی قابل اجرا هستند، از جمله حقوق بشردوستانه بین‌المللی یا حقوق بشر» (۷).

علاوه بر این، شورای امنیت در آخرین قطعنامه‌های خود در این زمینه، هنگام دعوت از طرفین درگیری به رعایت تعهدات بین‌المللی خود، از کنوانسیون حقوق کودک و پروتکل اختیاری آن، چهار کنوانسیون ژنو و هر دو پروتکل الحاقی و اساسنامه ICC نام برده است. مهم‌تر از همه، شورای امنیت به طور مداوم به شش رفتار فوق‌الذکر، یعنی قتل یا معلول کردن اشاره کرده است. استخدام یا استفاده از کودک سرباز، حملات علیه مدارس یا بیمارستان‌ها، تجاوز جنسی یا سایر اشکال خشونت جنسی شدید، آدم‌ربایی و ممانعت از دسترسی بشردوستانه، به عنوان نقض تعهدات بین‌المللی، گاهی اوقات تصریح می‌کند که آن‌ها نقض قوانین بین‌المللی حقوق بشر و حقوق بین‌الملل هستند (۸).

همچنین با توجه به مطالعه کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در مورد حقوق بین‌الملل عرفی، می‌توان استدلال کرد که چنین رفتارهایی توسط حقوق بین‌الملل عرفی نیز ممنوع است. ممنوعیت قتل یا معلول کردن و حمله به مدارس یا بیمارستان‌ها از کاربردهای خاص اصل تمایز است (۹). به همین ترتیب، منع آدم‌ربایی نیز کاربرد این اصل است، هرچند قواعد دیگری مانند منع گروگانگیری و منع ناپدیدشدن قهری نیز حداقل در مواردی ممکن است مربوط باشد. محرومیت از دسترسی بشردوستانه نیز ممنوع تلقی می‌شود، زیرا طرف‌های درگیر

باید اجازه و تسهیل عبور سریع و بدون مانع کمک‌های بشردوستانه برای غیر نظامیان نیازمند را بدهند، مشروط بر اینکه بی‌طرفانه و بدون تمایز نامطلوب انجام شود، مشروط به حق آن‌ها، ترول تجاوز جنسی و سایر اشکال خشونت جنسی به طور خاص ممنوع است و حمایت از آن‌ها بخشی جدایی‌ناپذیر از حمایت ویژه‌ای است که کودکان متأثر از درگیری‌های مسلحانه از آن برخوردار هستند. با این حال، ممنوعیت استخدام و استفاده از کودکان سرباز، با توجه به اختلافات در مورد محدودیت سنی که توسط اسناد بین‌المللی مختلف و قوانین داخلی تعیین شده است، دارای تفاوت‌هایی است. به نظر می‌رسد حداقل در مورد تعیین حداقل سن ۱۵ سال توافق وجود داشته باشد. بنابراین نماینده ویژه کودکان و درگیری‌های مسلحانه هنگام رسیدگی به این تخلف توضیح داده است که اگرچه ۱۵ سال محدودیت سنی طبق قوانین بین‌المللی حقوق بشر است، قوانین بین‌المللی حقوق بشر استخدام یا استفاده از افراد زیر ۱۸ سال را ممنوع می‌کند (۱۰).

در مجموع، رفتار مربوط به چهارچوب کودکان آسیب‌دیده از درگیری‌های مسلحانه از یک معاهده منفرد ناشی نمی‌شود، بلکه از انواع معاهدات و از حقوق بین‌الملل عرفی سرچشمه می‌گیرد. بنابراین یک رژیم نظارتی در مورد حفاظت از کودکان آسیب‌دیده از درگیری‌های مسلحانه ممکن است شناسایی شود. با این حال، چالش این است که تعیین کنیم آیا این مبنایی برای این است که گروه‌های مسلح غیر دولتی در واقع موظف به انجام آن شش رفتار تحت قوانین بین‌المللی هستند یا خیر.

در قلمرو حقوق بین‌الملل بشردوستانه، عموماً پذیرفته شده است که گروه‌های مسلح غیر دولتی مستقیماً مورد خطاب قرار می‌گیرند و دارای تعهدات خاصی هستند. در واقع، ماده ۳ مشترک، تعهدات مساوی را بر دولت‌ها و گروه‌های مسلح غیر دولتی تحمیل می‌کند، به این معنی که حداقل قوانین اساسی یکسان برای هر دو اعمال می‌شود. چندین نظریه سعی در توضیح این موضوع دارند که چرا گروه‌های مسلح غیر دولتی به

قوانین بشردوستانه ملزم هستند. به طور سنتی، معتقدند که به این دلیل است که آن‌ها پیوند سرزمینی با دولتی دارند که برخی تعهدات بین‌المللی را پذیرفته است یا به این دلیل که تحت صلاحیت قانونی داخلی کشوری که تعهدات مذکور را پذیرفته عمل می‌کنند. این توضیحات انتقادهای مختلفی را دریافت کرده است، از جمله اینکه ممکن است منجر به عدم مالکیت گروه مسلح غیر دولتی در رابطه با تعهدات شود. در واقع، رینگارت (Ryngaert) استدلال کرده است که به گروه‌های مسلح غیر دولتی باید فرصتی برای ابراز رضایت داده شود تا حقوق بین‌الملل بشردوستانه الزام‌آور و مؤثر در زمین باشد و این می‌تواند از طریق روش‌ها و ابزارهای مختلف انجام شود. با این حال، بحث‌ها در مورد این موضوع هنوز حل نشده است و پیچیدگی‌های بیشتری را در مورد قوانین بین‌المللی حقوق بشر به دنبال دارد (۱۱).

توجه به این نکته مهم است که ارجاع به تعهدات خاص حقوق بین‌الملل بشردوستانه و قوانین بین‌المللی حقوق بشر در مورد چهارچوب کودکان آسیب‌دیده از درگیری‌های مسلحانه در یک رژیم خاص، یعنی شورای امنیت سازمان ملل متحد و منشور سازمان ملل متحد صورت می‌گیرد. بنابراین باید بررسی شود که آیا تعهداتی که گروه‌های مسلح غیر دولتی را ملزم می‌کند ممکن است از قطعنامه‌های شورای امنیت سرچشمه بگیرد یا خیر.

صلاحیت شورای امنیت سازمان ملل متحد برای پرداختن به عوامل غیر دولتی امروزه به طور کلی غیر قابل اعتراض است و یک رویه ثابت از این نظر وجود دارد، به ویژه هنگامی که به تعهدات حقوق بین‌الملل بشردوستانه و قوانین بین‌المللی حقوق بشر گروه‌های مسلح غیر دولتی و دولت‌ها اشاره می‌شود، ظاهراً شورای امنیت هیچ تمایز قانونی بین هر دو نوع عامل قائل نشده است. در مورد تصمیمات شورای امنیت سازمان ملل متحد که تحت فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد اتخاذ شده است، چندین توضیح در مورد ماهیت الزام‌آور آن‌ها برای گروه‌های مسلح غیر دولتی ارائه شده است. برخی از آن‌ها در نظر مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری در

مورد قانونی بودن اعلامیه استقلال کوزوو، به ویژه استدلال آن در مورد ارتباط حقوقی قطعنامه ۱۲۴۴ شورای امنیت سازمان ملل متحد (۱۹۹۹ م.) حمایت می‌کنند (۱۲).

در مورد مطالعه مورد نظر، حتی اگر شورای امنیت حمایت از کودکان در منازعات مسلحانه را جزء جدایی‌ناپذیر حفظ صلح و امنیت بین‌المللی در نظر گرفته است، بدیهی نیست که قطعنامه‌های آن در مورد کودکان آسیب‌دیده از درگیری‌های مسلحانه تصمیمات الزام‌آور تحت فصل هفتم است. در این راستا، یادآوری رویکرد دیوان بین‌المللی دادگستری در رابطه با اثر الزام‌آور قطعنامه‌های شورای امنیت مفید است:

زبان قطعنامه شورای امنیت باید به دقت مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد تا بتوان در مورد اثر الزام‌آور آن نتیجه‌گیری کرد. با توجه به ماهیت اختیارات مندرج در ماده ۲۵ [منشور ملل متحد]، این سؤال که آیا آن‌ها واقعاً اعمال شده‌اند یا خیر، باید در هر مورد با توجه به شرایط قطعنامه مورد تفسیر و بحث‌های منتهی به تعیین شود. به آن، مفاد منشور و به طور کلی، همه شرایطی که ممکن است در تعیین پیامدهای قانونی قطعنامه شورای امنیت کمک کند، مورد استناد قرار گرفته است (۱۳).

با این حال، تجزیه و تحلیل ماهیت و چهارچوب قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد در مورد کودکان آسیب‌دیده از درگیری‌های مسلحانه، قطعی نیست. برخی از قطعنامه‌های کودکان آسیب‌دیده از درگیری‌های مسلحانه مجدداً تعهدات از قبل موجود کشورهای عضو تحت قوانین بین‌المللی را تأیید می‌کنند، برخی دیگر این تعهدات را در چهارچوب تهدیدی برای صلح و امنیت بین‌المللی متبلور می‌کنند و برخی دیگر تعهدات اضافی را با هدف تبعیت از قطعنامه‌های قبلی و مرتبط ایجاد می‌کنند. قوانین بین‌المللی قابل اجرا به نظر او، حداکثر، قصد شورای امنیت برای در نظر گرفتن اقدامات هدفمند برای عدم انطباق ممکن است مبنای قانونی برای این استدلال فراهم کند که «مقررات منتخب ممکن است حمایت قانونی از کودکان را با ایجاد تعهدات قانونی الزام‌آور برای عوامل تعیین‌شده (کشورهای عضو و غیر دولتی)»، اما زبان بدون ابهام (یعنی «تصمیم می‌گیرد») تنها زمانی به کار می‌رود که قطعنامه‌ها ارگان‌ها یا آژانس‌های سازمان ملل را

مورد خطاب قرار دهند و به طور کلی، قطعنامه‌های کودکان آسیب‌دیده از درگیری‌های مسلحانه توصیه‌های غیر الزام‌آوری هستند که با قدرت خاصی چهارچوب‌بندی شده‌اند. بنابراین تأیید اینکه این قطعنامه‌ها تعهدات قانونی الزام‌آور را برای گروه‌های مسلح غیر دولتی تحت فصل هفتم منشور ملل متحد ایجاد می‌کند، دشوار است.

با این حال، این بدان معنا نیست که قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل در مورد کودکان آسیب‌دیده از درگیری‌های مسلحانه دارای آثار قانونی نیست. در واقع، قطعنامه‌ها دارای قدرت هنجاری عملی هستند که عمدتاً از توافق بر سر اصل ناشی می‌شود. به این معنا که حتی به عنوان اسناد حقوق نرم غیر الزام‌آور تلقی می‌شوند، شواهد مادی در مورد نگرش دولت‌ها ارائه می‌دهند که بر تفسیر معاهدات و شکل‌گیری حقوق بین‌الملل عرفی تأثیر می‌گذارد. فیلد توضیح می‌دهد که این قدرت هنجاری بالفعل افزایش می‌یابد، زیرا قطعنامه‌های جدید مفاد موجود در قطعنامه‌های قبلی را مجدداً تأیید و توسعه می‌دهند و به تدریج درجه بالاتری از الزام، دقت و تفویض اختیار دست می‌آورند (۱۴).

شورای امنیت سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۸ به موجب ماده ۳۴ منشور ملل متحد، ادامه وضعیت نقض حقوق کودکان در درگیری‌های مسلحانه را تهدیدی برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی تلقی کرده و خود را دارای صلاحیت برای رسیدگی و انجام اقدامات لازم دانسته است. در این راستا، شورای امنیت با قراردادن موضوع حمایت از کودکان در درگیری‌های مسلحانه در دستورکار سالانه خود و با صدور ۱۱ قطعنامه و ۷ بیانیه رئیس، جدیت خود را برای پرداختن به این موضوع نشان داد. شورا همچنین از ورود به بحث ایجاد قوانین و استانداردهای لازم برای حمایت از کودکان در درگیری‌های مسلحانه خودداری کرده و با عملیاتی و اجرایی کردن استانداردهای موجود تأکید داشته است. از سوی دیگر، همه قطعنامه‌هایی که شورای امنیت درباره حمایت از کودکان در درگیری‌های مسلحانه صادر کرده، ذیل فصل ششم منشور ملل متحد بوده و جنبه توصیه‌ای داشته‌اند.

توصیه‌های شورای امنیت در مورد دولت‌ها غالباً مؤثر بوده و باعث تجدید نظر آن‌ها در اقدامات مربوط به نقض حقوق کودکان در درگیری‌های مسلحانه شده است. گروه‌های شورشی که در ورای اقدامات خود اهداف سیاسی را دنبال کرده و درصدد تشکیل حکومت بوده‌اند نیز با شورای امنیت همکاری قابل توجهی نداشته‌اند، اما اهرم شورای امنیت با سازوکارهای موجود، در تغییر رفتار گروه‌های تروریستی که به دنبال تعامل با نظام بین‌المللی نیستند، کارایی نداشته است، به گونه‌ای که نقض حقوق کودکان در درگیری‌های مسلحانه افزایش یافته که از میان آن‌ها تنها موارد اندکی مربوط به دولت‌ها بوده و اکثریت قریب به اتفاق آن‌ها را گروه‌های تروریستی مانند داعش، احرار الشام، جبهه النصره، بوکوحرام، گروه ابوسیاف و مانند آن مرتکب می‌شوند. برخورد جدی با این گروه‌ها، آزمون جدی برای میزان موفقیت شورا در حمایت از کودکان در درگیری‌های مسلحانه است. این مهم تنها با کنار نهادن ملاحظات سیاسی امکان‌پذیر می‌شود، اما کنار گذاشتن چنین امری برای نهادی که ذاتاً سیاسی است، اگر نگوییم غیر ممکن، بسیار دشوار به نظر می‌رسد. همین امر باعث کاهش شدت و جدیت شورای امنیت در حمایت از کودکان در این‌گونه درگیری‌ها شده است.

۳. ضرورت گفتگو با گروه‌های مسلح غیر دولتی برای

رعایت حقوق بشردوستانه کودکان: رویکردهای مدیریتی

بر این فرض است که دولت‌ها مایل به رعایت مفاد معاهده‌ای هستند که خود را به آن ملزم کرده‌اند. چایس و هندلر چایس معتقدند که عدم پایبندی به احتمال زیاد به دلیل «۱- ابهام و نامشخص بودن زبان معاهده؛ ۲- محدودیت در ظرفیت طرفین برای انجام تعهدات خود؛ ۳- بعد زمانی اجتماعی، تغییرات اقتصادی و سیاسی توسط معاهدات نظارتی در نظر گرفته شده است»، در نتیجه، آن‌ها به نفع رویکردهای مدیریتی به عنوان راهی برای پرداختن مستقیم به چنین عواملی در رژیم‌های نظارتی استدلال می‌کنند.

گروه‌های مسلح غیر دولتی طرف رژیم‌های معاهده نیستند و هیچ توضیح واحدی وجود ندارد که به طور جهانی در مورد

اینکه چرا آن‌ها به تعهدات بین‌المللی متعهد هستند، پذیرفته شده باشد. با این حال، هنگام ارائه مکانیسم نظارت و گزارش‌دهی به شورای امنیت سازمان ملل، دبیر کل در نظر گرفت که تنها در صورتی مؤثر خواهد بود که بتواند بر رفتار دولت‌ها و گروه‌های مسلح غیر دولتی تأثیر بگذارد. سؤالی که مطرح می‌شود، این است که آیا می‌توان تأیید کرد که گروه‌های مسلح غیر دولتی مایل به پایبندی به تعهدات بین‌المللی هستند؟ آیا عدم رعایت آن‌ها با دلایلی غیر از عدم تمایل قابل توضیح است؟ آیا چهارچوب کودکان آسیب‌دیده از درگیری‌های مسلحانه می‌تواند انگیزه‌هایی برای تقویت اراده ایجاد کند؟ و آیا می‌تواند با ماهیت در حال تغییر درگیری‌های معاصر و گروه‌های مسلح غیر دولتی درگیر در آن‌ها سازگار شود؟ این موضوعات در این بخش فرعی مورد بحث قرار گرفته است.

چهارچوب کودکان آسیب‌دیده از درگیری‌های مسلحانه رویکردی است که اساساً مبتنی بر گفتگو با طرف‌های مخاصمات مسلحانه است که با تعهدات بین‌المللی خود مطابقت ندارند، این ایده را دربر می‌گیرد که گروه‌های مسلح غیر دولتی ممکن است مایل به رعایت قوانین بشردوستانه باشند. این نوع استراتژی‌های تعامل توسط عوامل مختلف مورد استفاده قرار گرفته و همچنان ادامه دارد. کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، سازمان‌های بین‌المللی، سازمان‌های غیر دولتی مانند فراخوان ژنو و حتی دولت‌ها توسعه مکانیسم‌هایی را تشویق و تسهیل کرده‌اند که به گروه‌های مسلح غیر دولتی اجازه می‌دهد نظرات خود را در مورد قوانین قابل اعمال در زمان مخاصمات مسلحانه بیان کنند (۱۵). در واقع، گروه‌های مسلح غیر دولتی از اعلامیه‌های یک‌جانبه، آیین‌نامه‌های رفتاری و موافقت‌نامه‌های ویژه برای تأیید تعهد خود به پایبندی به حقوق بین‌الملل بشردوستانه استفاده کرده‌اند. همانطور که توسط سیواکوماران (Sivakumaran) اشاره شده است، این عبارات «نشانه‌ای به دیدگاه‌های گروه‌های مسلح در مورد هنجارهای بشردوستانه ارائه می‌دهند و نقطه ورود مفیدی برای تعامل با گروه‌های مسلح در مورد مسائل بشردوستانه هستند» (۱۶).

در واقع، عباراتی از این دست به وضعیت کودکان آسیب‌دیده از درگیری‌های مسلحانه در زمان‌های اخیر پرداخته است. اعلامیه‌های یک‌جانبه صادرشده توسط گروه‌های مسلح غیر دولتی در میانمار، جمهوری آفریقای مرکزی و سودان و آیین‌نامه رفتار نیروهای مسلح اسلامی بانگسامورو در فیلیپین، اتخاذ تدابیر عملی را برای تضمین حمایت و رفاه کودکان پیش‌بینی کرده است. علاوه بر این، یک توافقنامه ویژه بین دولت فیلیپین و جبهه ملی دموکراتیک شامل چندین مفاد در مورد حقوق کودکان است، از جمله اینکه آن‌ها نباید در جنگ شرکت کنند (۱۷)، به علاوه بیست و شش گروه مسلح غیر دولتی با امضای یک سند تعهد برای حفاظت از کودکان در برابر اثرات درگیری‌های مسلحانه، تحت حمایت فراخوان ژنو، تعهدات مشخصی را بر عهده گرفته‌اند.

این تجربیات نشان می‌دهد که چگونه فرآیندهای گفتگو به عوامل درگیر اجازه می‌دهد: ۱- عواملی را که بر انتخاب‌های گروه مسلح غیر دولتی تأثیر می‌گذارند و دلایلی را که برای توجیه آن‌ها ارائه می‌کنند، در نظر بگیرند؛ ۲- تقویت انگیزه‌های موجود برای پیروی از تعهدات بین‌المللی و ایجاد تعهدات جدید؛ ۳- به دست آوردن تعهدات مشخص برای رعایت آن قوانین؛ ۴- خطوط ظرفیت گروه مسلح غیر دولتی را برای اجرای اقدامات مناسب برای رعایت و اطمینان از وجود ابزارهای عملی برای اطمینان از رعایت قوانین، درک کنید. بنابراین تعجبی ندارد که سازمان ملل نیز از گفتگو با گروه‌های مسلح غیر دولتی برای پیشبرد اهداف بشردوستانه استفاده کرده است.

در واقع چهارچوب کودکان آسیب‌دیده از درگیری‌های مسلحانه با بررسی ویژگی‌های گروه مسلح غیر دولتی و تأکید بر نیازها و نگرانی‌های آن‌ها عمل می‌کند، اما طراحی آن ممکن است ارزش افزوده‌ای نیز داشته باشد: اولاً از آنجا که همه طرف‌های مخاصمات مسلحانه در فهرست قرار می‌گیرند، این ممکن است به عنوان یک اطمینان خاطر برای گروه‌های مسلح غیر دولتی باشد که به مؤسسات ایجادشده منحصرأ توسط دولت‌ها اعتماد ندارند. از آنجایی که واضح است که این تنها گروه‌های مسلح غیر دولتی نیستند که مورد هدف قرار

می‌گیرند، گروه‌های مسلح غیر دولتی ممکن است بیشتر مستعد انجام تعهدات بشردوستانه باشند، اگر متوجه شوند که این ممکن است باعث شود که به نظر آن‌ها بیشتر از «دشمن» خود به قوانین بین‌المللی احترام بگذارند؛ دوم به این دلیل که چندین سهامدار و سایر عوامل مربوط، از جمله خود گروه‌های مسلح غیر دولتی، در تولید اطلاعات به کارگرفته‌شده توسط دبیرکل برای فهرست کردن طرف‌های ناسازگار در مخاصمات مسلحانه دخالت دارند. این به مکانیسم نظارت و گزارش‌دهی درجه‌ای از شفافیت می‌دهد که زیر سؤال بردن منطقی که تصمیم دبیرکل را برای گنجاندن یا حذف احزاب از فهرست راهنمایی می‌کند، برای گروه مسلح غیر دولتی دشوارتر می‌کند. هدف اصلی گفتگو در چهارچوب این است که طرف‌ها بر اساس توافق داوطلبانه خود برنامه‌های عملی اتخاذ کنند تا گام‌های مشخصی برای پایان دادن به نقض بردارند (۱۸). این امر مستلزم آن است که پرسنل سازمان ملل متحد در محل تلاش متقاعدسازی مهمی را انجام دهند که «روش مشخصه‌ای است که رژیم‌های بین‌المللی از طریق آن به دنبال القای انطباق هستند».

در مجموع، در حالی که استراتژی‌های مدیریتی در چهارچوب رژیم‌های معاهده مبتنی بر توافق داوطلبانه دولت‌ها است که از رضایت آن‌ها برای التزام به رژیم معاهده مربوطه استنباط می‌شود، این رویکرد در هنگام برخورد با گروه مسلح غیر دولتی در چهارچوب کودکان آسیب‌دیده از درگیری‌های مسلحانه دارای تفاوت‌هایی است، اگرچه تمایل گروه‌های مسلح غیر دولتی به رعایت قوانین بشردوستانه را نمی‌توان مانند تمایل دولت‌ها در این خصوص فرض کرد، زیرا این گروه‌ها، همیشه تمایلی به انجام این کار ندارند. از طریق گفتگو، چهارچوب کودکان آسیب‌دیده از درگیری‌های مسلحانه می‌تواند تمایل را در جایی که قبلاً وجود دارد، شناسایی کند و می‌تواند فعالانه به دنبال تشویق علاقه گروه مسلح غیر دولتی به پیروی از قانون باشد. برای این منظور، قابل توجه است که چهارچوب دارای ویژگی‌های کلیدی یک رویکرد مدیریتی است.

۴. چالش‌ها و محدودیت‌های گفتگو با گروه‌های مسلح

غیر دولتی برای رعایت حقوق بشردوستانه کودکان:

گفتگو با گروه‌های مسلح غیر دولتی برای رعایت حقوق بشردوستانه کودکان با چالش‌های و محدودیت‌هایی مواجه است که در این قسمت بررسی می‌شود.

۴-۱. محدودیت‌ها در رویکرد مدیریتی: سه سطح عملیاتی

مکانیسم نظارت و گزارش‌دهی (جمع‌آوری اطلاعات، بررسی اطلاعات و تهیه گزارش‌ها و مقصد برای اقدام) بر اساس یک طرح پیچیده همکاری است. میزان، نوع و کیفیت اطلاعات، نحوه ارائه آن به جهان، امکانات گفتگو و امکان‌پذیری اخذ تعهدات و دستیابی به انطباق، حداقل تا حدی به تعامل مؤثر بین عوامل متعدد بستگی دارد (۴).

در این زمینه، نقش هماهنگی که توسط کارکنان سازمان ملل ایفا می‌شود از اهمیت بالایی برخوردار است: آن‌ها مشارکت را ترویج و امکان‌پذیر می‌کنند، آن‌ها به عنوان مدیران و داوران مکانیسم عمل می‌کنند و در نهایت مسئول نتایج آن هستند. این نقش کارکنان سازمان ملل متحد یکی از جنبه‌های استقلال سازمان ملل را برجسته می‌کند که معمولاً به آن اراده جداگانه یا استقلال سیاسی یا حداقل لایه خاصی از خودمختاری در اجرای یک عملکرد اجرایی در سیستم سازمان ملل می‌گویند. به عبارت دیگر، از طریق کار روزانه کارکنان سازمان ملل، اراده جداگانه سازمان ملل به اقدام ملموس و مؤثر تبدیل می‌شود.

مانند بسیاری از محیط‌های سازمانی، محدودیت‌های بودجه ممکن است بر توانایی سازمان برای انجام وظایف خود تأثیر بگذارد. به نظر می‌رسد این مورد در مورد مکانیسم نظارت و گزارش‌دهی باشد. در واقع، در سال ۲۰۱۲، دبیرکل از جامعه کمک‌کننده خواست تا به عنوان یک موضوع اولویت، به کمبودهای بودجه برای اجرای برنامه‌های اقدام، از جمله نظارت بر انطباق با برنامه‌های اقدام و ادغام مجدد پایدار و بلندمدت رسیدگی کنند. نیازهای کودکانی که قبلاً با نیروهای مسلح یا گروه‌های مسلح مرتبط بوده‌اند، از جمله ادغام مجدد اقتصادی، «ناکافی بودن منابع و بودجه برای سازمان ملل

متحد، شرکای آن و دولت‌های ملی برای تضمین پایداری و ماندگاری بلندمدت یک نگرانی برای سال‌های متمادی است. در واقع، آخرین قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد در مورد این موضوع، از کشورها، نهادهای سازمان ملل متحد و مؤسسات مالی خواسته است تا با منابع و بودجه به موقع، پایدار و کافی از توسعه و تقویت ظرفیت نهادهای ملی و شبکه‌های جامعه مدنی محلی حمایت کنند.

محدودیت‌های دیگری ممکن است توسط طراحی سازمانی مکانیسم نظارت و گزارش‌دهی فعال شود. شورای امنیت سازمان ملل متحد از زمان تأسیس خود تأکید کرده است که مکانیسم نظارت و گزارش‌دهی باید با مشارکت و با همکاری دولت‌های ملی عمل کند و گفتگو با گروه‌های مسلح غیر دولتی باید در چهارچوب فرآیندهای صلح در جایی که وجود دارد یا در داخل آن‌ها انجام شود.

۴-۲. محدودیت‌های فراتر از رویکرد مدیریتی: ابزار

اجباری شورای امنیت سازمان ملل متحد: برای مقابله با عدم پایداری عمده، شورای امنیت سازمان ملل قصد خود را برای بررسی اعمال تدابیر هدفمند و تدریجی، مانند مسدود کردن دارایی‌ها، ممنوعیت تسلیحات و... علیه کسانی که در لیست دبیرکل قرار دارند و از شرکت در گفتگو امتناع می‌ورزند، برای توسعه برنامه‌های اقدام، یا اجرای تعهدات خود ابراز کرده‌اند (۱۵). تصمیم برای تکمیل رویکرد مدیریتی با این ابزار اجباری، تفاوت مهمی را بین دنبال کردن قوانین بشردوستانه در موقعیت‌های درگیری مسلحانه و «اجرای معمول معاهدات» نشان می‌دهد (۵).

این امکان از اهمیت بالایی برخوردار است، به ویژه با در نظر گرفتن اینکه یکی از مشکلات اکثر فرآیندهای گفتگو که منجر به تعهدات می‌شود، عدم پاسخگویی است. در برخی موارد، مکانیسم‌های پاسخگویی ابداع شده‌اند، اما همچنان به میزانی از تمایل گروه مسلح غیر دولتی مربوطه نیاز دارند، مانند مکانیسم نظارتی فراخوان ژنو برای اسناد تعهد یا چهارچوب‌های نهادی ایجادشده توسط توافق‌های ویژه برای بررسی تخلفات احتمالی. بنابراین وجود ابزار اجباری یکی از

ویژگی‌های کلیدی چهارچوبی است که برای به دست‌آوردن نتایج در نظر گرفته شده است، حتی زمانی که طرف‌های مربوطه تمایلی به تبعیت از قوانین بشردوستانه و/یا تعهدات خاص توافق‌شده از طریق برنامه‌های اقدام ندارند.

با این حال، شورای امنیت سازمان ملل به ندرت از این ابزار اجباری استفاده کرده است: اولاً تحریم‌ها فقط برای موقعیت‌های خاص کشوری در دسترس هستند که از قبل در دستور کار شورای امنیت قرار دارند. با این حال، حتی در آن موارد، گروه کاری استفاده از تحریم‌ها را تنها ۹ بار از زمان ایجاد آن تا سال ۲۰۱۳، عمدتاً در رابطه با وضعیت جمهوری دموکراتیک کنگو، توصیه کرد. در دوره ۱۷-۲۰۱۳، پنج بار دیگر تحریم را توصیه کرد (۱۹).

همانطور که در قانون حفاظت از کودکان، توضیح داده شده است، شورای امنیت سازمان ملل گاهی اوقات به دلیل اختلافات داخلی و درک منافع شخصی ملی فلج شده است و در کشورهایمانند سوریه، یمن، سودان جنوبی و جاهای دیگر اقدام مناسبی انجام نداده است. در واقع، در سال ۲۰۱۲ در یک جلسه آریا فرمول با اعضای شورای امنیت، عوامل سازمان ملل متحد درگیر در حمایت از کودکان و سازمان‌های جامعه مدنی، پیشنهاد شد که رژیم تحریم‌ها باید با گسترش معیارهای به کار گرفته‌شده توسط کمیته‌های تحریم و ایجاد یک موضوع یا موردی تقویت شود. کمیته مجازات تخلفات علیه کودکان، اما شورای امنیت این مسیر را طی نکرده است. به نظر می‌رسد در عمل برخی از اعضا تمایلی به برخورد با متخلفان مستمر ندارند و شورای امنیت نیز در این مورد اختلاف نظر دارد (۲۰).

نتیجه‌گیری

در بیست سال گذشته، سازمان ملل متحد به تدریج چهارچوبی برای رسیدگی به وضعیت کودکان آسیب‌دیده از درگیری‌های مسلحانه ابداع کرده است. در سال ۱۹۹۷، دبیر کل سازمان ملل متحد برای اولین بار، بر اساس توصیه مجمع عمومی، یک نماینده ویژه برای کودکان و درگیری‌های مسلحانه منصوب

کرد. بلافاصله پس از آن، شورای امنیت سازمان ملل متحد این موضوع را در دستور کار خود قرار داد و در سال ۲۰۰۴ شروع به درخواست از دولت‌ها و گروه‌های مسلح غیر دولتی طرف درگیری‌های مسلحانه کرد تا از طریق برنامه‌های اقدام سازمان ملل به تخلفات رسیدگی کنند. یک سال بعد، شورای امنیت سازمان ملل متحد مکانیسم نظارت و گزارش‌دهی را که توسط دبیرکل پیشنهاد شده بود، تأیید کرد و یک گروه کاری در مورد کودکان آسیب‌دیده از درگیری‌های مسلحانه متشکل از همه اعضای آن ایجاد کرد که مسئول بررسی گزارشات مکانیسم نظارت و گزارش‌دهی و ارائه توصیه‌هایی به شورای امنیت در مورد اقدامات احتمالی برای ترویج حفاظت از کودکان آسیب‌دیده از درگیری‌های مسلحانه است. این چهارچوب برای هدایت انرژی‌ها از تدوین استانداردها به حصول اطمینان از انطباق با آن‌ها و ایجاد «عصر کاربرد» در نظر گرفته شده بود. چهارچوب کودکان آسیب‌دیده از درگیری‌های مسلحانه به عنوان یک استراتژی برای اطمینان از انطباق توسط گروه‌های مسلح غیر دولتی از تجربیات گفتگوی قبلی تقلید می‌کند. از این نظر، تأیید می‌کند که حقوق بین‌الملل باید هر نوع سازمان سیاسی را که در حوزه روابط بین‌الملل فعالیت می‌کند یکپارچه کند و به طور خاص نقش مهمی را که گروه‌های مسلح غیر دولتی در بهبود احترام و رعایت قوانین بشردوستانه ایفا می‌کنند، به رسمیت می‌شناسد. درست مانند رژیم‌های معاهده، به نظر می‌رسد «فرایند تکراری گفت‌وگو» ابزار اساسی برای حفظ انطباق در چهارچوب کودکان آسیب‌دیده از درگیری‌های مسلحانه باشد: فضای غالب یکی از عواملی است که در یک سرمایه‌گذاری مشارکتی شرکت می‌کنند که در آن عملکردی که به دلایلی رضایت‌بخش به نظر می‌رسد، به جای جرمی که باید مجازات شود، مشکلی را نشان می‌دهد که باید با مشورت و تجزیه و تحلیل متقابل حل شود و شرایط به منظور تخفیف یا بهانه پیش می‌رود. عدم عملکرد به طور سیستماتیک پرداخته می‌شود.

در واقع، این چهارچوب، ویژگی‌های اصلی رویکرد مدیریتی را منعکس می‌کند، حتی زمانی که برخی از آن‌ها دقیقاً به همان شکلی که در رژیم‌های معاهده منحصر به دولت‌ها تجلی

مشارکت نویسندگان

مروه کشیری: بررسی متون و منابع، تحلیل مطالب، ارائه پلان و نگارش متن.

محمدرضا حکاکزاده: ارائه ایده، تحلیل مطالب، ارائه اطلاعات و ویرایش نهایی مقاله.

محمدعلی کفایی‌فر: مرور و بازبینی متن مقاله
نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

بیانیه هوش مصنوعی

در تألیف این مقاله مطلقاً از هوش مصنوعی استفاده نشده است.

نمی‌یابند، ظاهر می‌شوند. همانطور که توضیح داده شد، رژیم حقوقی مربوط به چهارچوب کودکان آسیب‌دیده از درگیری‌های مسلحانه به جای یک معاهده باید در منابع متعدد جستجو شود و تمایل گروه‌های مسلح غیر دولتی به پیروی از قوانین رژیم مذکور را نمی‌توان به همان شکلی که دولت‌ها فرض کرد، اما باید با اشاره به نگرانی‌های مختلفی که بر اقدامات و اهداف آن‌ها به عنوان طرفین درگیری‌های مسلحانه تأثیر می‌گذارد، جستجو شود. علاوه بر این، چهارچوب کودکان آسیب‌دیده از درگیری‌های مسلحانه دارای ارزش افزوده تأیید شورای امنیت سازمان ملل و درگیرکردن چندین عامل و ذی‌نفعان مرتبط با یک موضوع است. به این معنا، در چهارچوب تصمیم‌گیری در مورد قوانین بشردوستانه، عوامل غیر دولتی (گاهی اوقات حتی به طور مشترک عمل می‌کنند) وظایف مختلفی مانند اطلاعات (جمع‌آوری، پردازش و انتشار اطلاعات از طریق مکانیسم نظارت و گزارش‌دهی) را انجام می‌دهند، ارتقا (دفاع از سیاست‌های کلی و ارائه پیشنهادات از طریق گفتگو و مذاکره)، فراخوانی (توصیف موقت رویدادها به عنوان انطباق یا نقض از طریق گزارش‌ها، فهرست‌بندی و حذف از فهرست) و ارزیابی (عملکرد چهارچوب با توجه به اهداف جامعه در مورد حمایت از کودکان در جریان درگیری مسلحانه)، با این حال، خودمختاری سازمان ملل ممکن است با بی‌میلی دولت مهار شود. به منظور پیشبرد کارهای مهم انجام‌شده از طریق مکانیسم نظارت و گزارش‌دهی، عوامل مربوطه سازمان ملل «به منابع بیشتر و همچنین دسترسی بهبودیافته و بدون محدودیت برای تیم‌های نظارت و گزارش نیاز فوری دارند.» بدون بودجه، بسیاری از مزایای چهارچوب کودکان آسیب‌دیده از درگیری‌های مسلحانه ممکن است به سادگی محو شوند. بیرون علاوه بر این، تأخیر در اجرای اقدامات مؤثر شورای امنیت سازمان ملل متحد باید برطرف شود، به ویژه زمانی که صحبت از استفاده از قدرت‌های قهری آن به منظور مقابله با عدم رعایت عمده باشد.

References

1. Bahgat K, Kendra D, Gudrun Ø, Siri Aas R, Håvard S, Tore W. Children Affected by Armed Conflict. Journal of The Peace Research Institute Oslo (PRIO). 2018; 15(51): 15-17.
2. UICHR (The University of Iowa Center for Human Rights). Children in Armed Conflict Human Rights Index. Journal of Transnational Law and Contemporary Problems. 2106; 26(47): 9-11.
3. UNICEF (United Nations Children's Fund). The Paris Principles Principles and Guidelines on Children Associated with Armed Forces or Armed Groups. 1st ed. Paris: Publication United Nations; 2007. p.4-50.
4. WESSELS M. Child Soldiers From Violence to Protection. 2nd ed. London: Harvard University Press; 2006. p.119.
5. Chayes A, Handler Chayes A. The New Sovereignty Compliance with International Regulatory Agreements. 1st ed. Cambridge: Harvard University Press; 1995. p.95.
6. Klosterman R. The UN Security Council's special compliance systems - the regime of children and armed conflict in Krieger H Inducing Compliance with International Humanitarian Law (Lessons from the African Great Lakes Region). 3rd ed. Cambridge: Cambridge University Press; 2015. p.313-350.
7. Acquaviva G. The Perils of Teaching and Practising International Law. Journal of International Criminal Justice. 2010; 8(4): 1001-1007.
8. Sivakumaran S. The Law of Non-International Armed Conflict. 2nd ed. Oxford: Oxford University Press; 2012. p.35-56.
9. Henckaerts JM. Binding Armed Opposition Groups through Humanitarian Treaty Law and Customary Law. International and Comparative Law Quarterly. 2003; 55(27): 369-394.
10. D'Aspremont J, DeHemptinne J. UN Security Council Resolutions Concerning Children Affected by Armed Conflict in Whose 'Best Interest?'. International Journal of Children's Rights. 2012; 33(21): 127-161.
11. Fortin K. The Accountability of Armed Groups Under Human Rights Law. 2nd ed. Oxford: Oxford University Press; 2017. p.152-173.
12. ICJ. Accordance with International Law of the Unilateral Declaration of Independence in Respect of Kosovo. Journal of International Court of Justice. 2010; 85(14): 58-59.
13. ICJ. Legal Consequences for States of the Continued Presence of South Africa in Namibia (South West Africa) notwithstanding Security Council Resolution Advisory Opinion. Journal of International Court of Justice. 1971; 14(48): 25-53.
14. Abbot K, Snidal D. Hard and Soft Law in International Governance. Journal of International Organization. 2000; 54(3): 421-456.
15. Heffes E, Kotlik M. Special agreements as a means of enhancing compliance with IHL in non. Journal of International Review of the Red Cross. 2014; 96(895-896): 1195-1224.
16. Sivakumaran S. Lessons for the Law of Armed Conflict from Commitments of Armed Groups (Identification of Legitimate Targets and Prisoners of War). Journal of International Review of the Red Cross. 2011; 93(882): 463-482.
17. Droege C. Comprehensive Agreement on Respect for Human Rights and International Humanitarian Law. Journal of international humanitarian law. 1998; 2(24):10-23.
18. Koller D, Eckenfels-Garcia M. Using Targeted Sanctions to End Violations against Children in Armed Conflict. Boston University International Law Journal. 2015; 10(33): 1-35.
19. Chinkin C, Kaldor M. International Law and New Wars. 2nd ed. Cambridge: Cambridge University Press; 2017. p.15-45.
20. Happold M. Protecting Children in Armed Conflict (Harnessing the Security Council's Soft Power). Journal of Israel Law Review. 2010; 5(43): 360-380.